روزنامه شرق

پنجشنبه ۲۲ اردیبهشت ۱۳۹۰ ■ ۸ جمادی‌الثانی ۱۴۳۲ ■ ۱۲ می ۲۰۱۱ ■ سال هشتم ■ شماره پیاپی ۱۲۴۴ ■ شماره ۳۲۰ دوره جدید ■ ۱۲ صفحه + ۳۲ صفحه ضمیمه

روزنامه شرق

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیر مسوول: مهدی رحمانیان

نشانی: میدان آرژانتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف

تلفن: ۲-۸۸۶۵۴۳۹۱ نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹ تلفن آگهی‌ها: ۸۸۶۵۸۵۷۵

توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵-۶۶۱۸۲۱۳۰

چاپ: روزتاب/ جاده مخصوص کرج، نخ زرین شماره ۴ تلفن: ۴۴۵۴۵۰۷۷

www.sharghnewspaper.ir

تهران: اذان ظهر ۱۳:۰۱ اذان مغرب ۲۰:۲۰ اذان صبح فردا ۴:۲۴ طلوع آفتاب ۶:۰۱

انتقاد دو نویسنده به جمع آوری کتاب‌هایشان از نمایشگاه

ایسنا: بلقیس سلیمانی و ناتاشا امیری به جمع‌آوری کتاب‌هایشان از نمایشگاه کتاب اعتراض کردند. سلیمانی گفت: «خاله‌بازی» که توسط نشر ققنوس منتشر شده، از محل نمایشگاه جمع‌آوری شد. سلیمانی با انتقاد از رفتارهای دوگانه در مواجهه با مساله کتاب، گفت: چرا با کتابی که خودشان مجوز آن را داده‌اند و تخلف هم نکرده است، برخورد می‌کنند؟ از سوی دیگر روز گذشته، ناتاشا امیری نیز از جمع‌آوری چاپ دوم رمان «عشق روی چاکرای دوم» از نمایشگاه کتاب تهران خبر داد.

بومرنگ

ادغام خودرا به‌دست‌متخصصان‌ما بسپارید

مسعود مرعشی

Tanz1390@gmail.com

■ **شنبه:** دنیا به سمت ادغام شدن می‌رود. ما هم که مانند همیشه پیش‌قراول امور خیر هستیم، اول عقد و عروسی را ادغام کردیم، بعد به سمت ادغام ختم سوم و هفتم پیش رفتیم. حالا هم که وزارتخانه‌ها را چند تا یکی می‌کنیم. در همین راستا چند پیشنهاد ادغام هم مامی‌دهیم تا کمکی باشد برای دوستان:

-وزارت بهداشت و نفت تا بیمارستان‌ها بودجه کافی داشته باشند تا بیمارها را به صورت وایرلس و بلوتوثی درمان نکنند.

-وزارت ورزش و دفاع به خاطر اینکه به قول آقای اسکندر کوتی، گزارشگر محبوب تلویزیون، بهترین دفاع حمله است!

-وزارت پست، تلگراف، تلفن، فناوری اطلاعات، نانو تکنولوژی، علوم، تحقیقات و ارتباطات، با تشکر از همه عزیزانی که از راه‌های دور و نزدیک به این وزارتخانه آمده‌اند.

ترانه هفته: ایکی دانه وزارتخانه، دسته به دسته/با نظم و ترتیب یک جا نشسته / هر وزارتخانه‌ای هست، خوش رنگ و رخشان/وزیر وزینی بر مسند آن

یکشنبه: قائم‌مقام سازمان نظام پزشکی گفت: «دو سوم ماماهای کشور بیکار هستند و ۱۲ هزار پزشک عمومی نیز یا بیکار هستند یا در رشته‌ای غیر از تخصص خود فعالیت می‌کنند.» برای حل این مشکل راه‌حلی به ذهن ما خطور کرد. راستش را بخواهید ما روزنامه‌نگارها شغل زیاد داریم. آنقدر که هنرپیشه‌ها هم به شغل ما روی آورده‌اند. یکی مدیر هنری است، دیگری مشاوره فرهنگی می‌دهد، آن یکی هم سردبیر افتخاری شده. حالا ما که اینقدر باحالیم، چیزی از مان کم نمی‌شود که دست یک عده دکتر و مامای بیکار را (با رعایت تمام موازین اخلاقی) بگیریم و یک جایی بند کنیم. (باز هم با رعایت همان موازین) هم امنیت شغلی‌اش بالاست، هم حقوق مکفی داره، بیمه که تادل‌تان بخواهد، قبر در قطعه هنرمندان نقد و اقساط باچک کارمندی.

ترانه هفته: شغل زیبا بود در این زمونه بلا/خونه‌ای بی‌بلا هرگز نَمونه، ای خدا

دوشنبه: ای بنگاه خبر پراکنی، چرا می‌ترسی فیلم بن لادن رو پخش کنی؟ همین یک هفته پیش داشتی فیلم عروسی زن و بچه مردم را پخش می‌کردی، حالا واسه ما پنهان کاری می‌کنی؟ ما هم گیلاسیم! بن لادن رو هم که کشتن!

ترانه هفته: دیگه حرفات نداره رنگی/واسه تو من می‌دونم /از آب چشمام بیهوده بارون/ می‌باره خوب می‌دونم /ای ای ای ای ای ای (با ناله بخوانید)

سه‌شنبه: آرنولد شواتزنگر، فرماندار پیشین کالیفرنیا و ماریا شرایور، همسرش جدایی خود را پس از ۲۵ سال زندگی مشترک اعلام کردند. این دو در بیانیه مشترکی اعلام کردند: «پس از مدت‌ها تفکر، تمرکز، گفت‌وگو و دعا» به این نتیجه رسیده‌اند به زندگی مشترک پایان دهند.

تفکر و گفت‌وگو و دعا یک چیزی اما آرنولد جان می‌شود دقیق‌تر بگویی رو چی مدت‌ها تمرکز کردی؟

ترانه هفته: یک خانواده از هم پاشیده، اون وقت شما دنبال ترانه می‌گردی؟ واقعا که!

چهارشنبه: کریستیانو رونالدو، مهاجم تیم ملی پرتغال گفت: «عقده گل زدن و آقای گل شدن ندارم.» کریس جان (عزیزم دوست داری چطور صدایت کنم؟ چه مخففی را دوست داری؟) کریستیانو جان! کریستیان جان یا هر چیز دیگری، وه! چه تصادفی! ما هم اینجا کلی مهاجم داریم که عقده گل زدن و آقای گل شدن ندارند. اصلا این‌طور برایت بگویم که اینجا مهاجمان ما این قدر چشم و دل‌شان سیر است که گل‌ها را می‌دهند هافبک‌ها و مدافعین بزنند.

ترانه هفته: نون و پنیر و بامیه / رونالدونزن توزاویه

پنجشنبه: هفته پیش هر چی گفتم تشریف ببرید نمایشگاه کتاب، گوش نکردید، امروز لااقل روی گل من را زمین نیندازید و تشریف ببرید ماژیک جادویی ۴۰۰۰ تومانی، ساندویچ با اسانس و رایحه کباب ترکی، ذرت مکزیکی عبدالکریم زاپاتا، بوگیر عطری کفش جفتی ۵۰۰ تومان و... بخرید.

ترانه هفته: بیا بریم نمایشگاه/ کدوم نمایشگاه/همون نمایشگاه که یار غرفه داره ای وله/بچه صیاد به پایش کتاب داره ای وله

پیشنهاد

«و اشتباه می‌کنم» در نمایشگاه کتاب

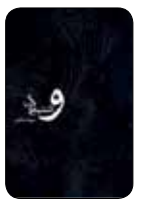

■ کتاب «و اشتباه می‌کنم» نوشته سپیده نیک‌رو، مجموعه اشعاری است که در ۶۵ صفحه توسط انتشارات پینار در شمارگان ۱۰۰۰ جلد منتشر شده است. این کتاب در بیست و چهارمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران در غرفه انتشارات پینار به قیمت ۲۵۰۰ تومان در دسترس مخاطبان قرار دارد.

برداشت آخر

بعد از یک‌سال واندی

مدیریت تئاتر شهر منصوب شد

فرزانه ابراهیم‌زاده

بالاخره بعد از یک‌سال و اندی، سرنوشت صندلی مدیریت تئاتر شهر منصوب شد و قرعه ریاست مهم‌ترین مجموعه تئاتری کشور به نام صادق موسوی افتاد که پیش از این علاوه بر مدیریت دفتر تئاتر کودک و نوجوان، مدیر تالار هنر هم بود. البته حسین مسافرآستانه، رییس مرکز هنرهای نمایشی پیش از این، ۳۰ اردیبهشت را به عنوان روز معرفی مدیر تئاتر شهر اعلام کرده بود اما ظاهرا مذاکرات با صادق موسوی زودتر از آنچه مدیران تئاتری گمان می‌کردند به پایان رسید و نام مدیر معرفی شد. مجموعه تئاتر شهر از سال گذشته به دنبال استعفای محمد حیدری با سرپرستی پریسا مقتدی بدون مدیر اداره شد. در این مدت نام‌های زیادی برای پست مدیریتی این مجموعه گمانه‌زنی شد اما کمتر کسی فکر می‌کرد شاهین مدیریت تئاتر شهر بر سر صادق موسوی بنشیند. البته به نظر می‌رسید با توجه به عملکرد پریسا مقتدی در یک سال گذشته در تئاتر شهر او گزینه مناسب‌تری برای این مجموعه باشد اما ظاهرا برنامه‌های موسوی بیشتر مورد تایید مدیران قرار گرفت. در سال‌های گذشته مدیریت تئاتر شهر دستخوش تغییرات زیادی بود. بعد از حسین پاکدل یک دوره شورا مدیریت تئاتر شهر را بر عهده گرفت و بعد از آن حسین پارسایی، مدیر شورا به عنوان مدیر مجموعه انتخاب شد. به نظر می‌رسد مسوولان تئاتر کشور برنامه‌های تازه برای مدیریت ساختمان مدور تئاتر داشته باشند اما تا آن زمان صادق موسوی نظارت بر پنج سالن این مجموعه که چرخ تئاتر حرفه‌ای را می‌گردانند، دارد.

تلاقی

بررسی آثار سالوادور دالی در گفت‌وگو با کریم نصر

سورئالیسم در نقاشی اساسا ممکن نیست

پژمان موسوی

دیروز سالروز تولد نقاشی بود که به بنیان‌گذاری سبک سورئالیسم شهرت دارد؛ سبکی که به باور بسیاری از نقاشان معاصر، تولید یک اثر نقاشی در آن سبک اساسا امکان‌پذیر نیست؛ سالروز تولد سالوادور دالی نقاش شهیر اسپانیایی بهانه‌ای شد برای بررسی سبک سورئالیسم در نقاشی در گفت‌وگو با کریم نصر نقاش معاصر ایرانی...

■■■

جناب آقای نصر! سالوادور دالی شخصیتی است که هم مدافعان و هم منتقدان سرسختی دارد؛ در میان مدافعان او اما منتقدانش جایی ندارند و دیدگاه‌هایشان مورد توجه قرار نمی‌گیرد. جنابعالی درباره این نقاش پرآوازه اسپانیایی چه نظری دارید؟

در اینکه دالی از جرگه نقاشان بزرگ تاریخ هنری جهان است، هیچ شکی نیست اما من اگر قرار باشد به دیوار خانه‌ام نقاشی‌ای بزنم، به هیچ‌وجه نقاشی او را انتخاب نمی‌کنم.

آیا این موضوع به سبک وی یعنی سورئالیسم برمی‌گردد؟ همان سبکی که او را بنیان‌گذار آن می‌دانند؟

من فکر می‌کنم نقاشی دالی اساسا با موضع اعلام شده‌اش یعنی سورئالیسم همخوان نبوده است به همین دلیل هم سورئالیست‌ها دالی را از خود نمی‌دانستند. یک سند بسیار معتبری درباره نزدیک نبودن کار دالی با سورئالیست‌ها وجود دارد که آن هم این است که وقتی او یکی از آثارش را به فروید نشان می‌دهد، فروید به او می‌گوید: «من در اثرت خودآگاه بیشتر می‌بینم تا ناخودآگاه». البته من می‌دانم که این سخنانم مخالفت‌های زیادی را برمی‌انگیزاند اما همچنان بر این باور خود پای می‌فشارم که نقاشی دالی با سورئالیسم تفاوت زیادی داشت.

آیا اساسا سورئالیسم در نقاشی را ممکن می‌دانید یا فقط با اینکه دالی سورئالیست بوده، مخالفید؟

به نظر من سورئالیسم اساسا در نقاشی ممکن نیست به این دلیل که به محض اینکه بخواهیم فرم را به وجود بیاوریم، به ناچار فورا وارد خودآگاه خود می‌شویم. ببینید! سورئالیست‌ها می‌خواسته‌اند مبتنی بر ناخودآگاه کار کنند اما من به عنوان یک نقاش، فکر می‌کنم که وقتی شما بخواهید فرمی را پرداخت کنید، به ناچار وارد خودآگاه خواهید شد؛ از همین رو فکر می‌کنم شاید تولید یک اثر با تکیه بر ناخودآگاه در شعر امکان داشته باشد، اما در نقاشی ممکن نیست. یک شاعر در یک لحظه ممکن است کلمات به ذهنش هجوم بیاورد و او هم بی‌انتخاب آن را بنویسد اما یک نقاش چنین موقعیتی ندارد چون یک نقاش فرم را انتخاب می‌کند.

یعنی می‌خواهید بگویید که اساسا این همه نقاش سورئالیست به بیراهه رفته‌اند؟

حداقل سورئالیست‌های واقعی حواس‌شان بوده که چه می‌خواهند دربیاورند، اما دالی همین‌قدر هم حواسش نبوده است. یک اشتباه بزرگ دالی و سورئالیست‌ها این بوده که هر دو افسانه را به ناخودآگاه منتسب می‌کنند در حالی که این از اساس غلط است زیرا وقتی پاره‌های عناصر بصری با هم مرتبط هستند، شما خود به خود وارد عرصه خودآگاه شده‌اید و به وجود آوردن «فرم» مستلزم ورود به حوزه خودآگاه است.

ادامه از یک

فرهادی و میرکریمی برگزیدگان «شب تهیه‌کنندگان»

وی همچنین با ذکر مواد قانونی در مورد امنیت شغلی و وظیفه دولت در این زمینه خطاب به اهالی سینما گفت: «روی صحبتم با برخی از همکاران خودمان است که به دلایل مختلف مجبور می‌شوند اظهار نظر و فاصله خودشان را از بدنه سینما دور کنند. خواهشم این است که این فاصله را قدری دور کنید تا بعدا بتوانیم به روی هم نگاه کنیم.»

مشکل زیرساختی

اما گذشته از حرف‌های عسگرپور در مورد بخشی از مشکلات خانه سینما، مهدی فخیم‌زاده، یکی دیگر از اعضای هیات داوران مراسم شب تهیه‌کنندگان، بخش دیگری از معضلات این حوزه را بی‌توجهی به زیرساخت‌ها دانست و به شرق گفت: «در سال‌های قبل توجه زیادی به تولید شد. امکانات و بودجه‌ها بیشتر سمت ساخته شدن فیلم رفت و سینما از زیربنا خالی شد، به همین دلیل مشکل اصلی سینمای ما سالن و زیربنا است. استودیوها تجهیز و بازسازی نشده‌اند.».

کمبود آثار مستقل

با اینکه بیشتر سخنرانان و اعضای هیات داوران اعتقاد داشتند تولیدات سینمای سال ۸۹ شاخص‌تر از سال قبل بود و همین مساله قضاوت‌ها را سخت کرد، در این میان نظرات متفاوتی نیز وجود داشت. همچنان که کامبوزیا پرتوی، کارگردان و از اعضای هیات داوران معتقد است، تعداد فیلم‌های خوب زیاد نبودند. وی در گفت‌وگو با شرق به تحلیل این ادعا پرداخت: «آثاری که توانسته بودند خودشان را کنار بکشند و سینمای مستقل داشته باشند، کم بودند و آنهایی که به نوعی وابسته یا مورد حمایت قرار گرفتند، ضربه خورده بودند.»

برگزیدگان

شب تهیه‌کنندگان سینمای ایران هرچند در سه بخش برگزیدگان خود را شناخت اما اصغر فرهادی و رضا میرکریمی دو بار روی صحنه رفتند. فرهادی از میان فیلمنامه‌های «اینجا بدون من»، «مرهم»، «سعادت آباد» و «یک حبه قند» برای فیلم «جدایی نادر از سیمین» جایزه گرفت. در بخش بهترین فیلم نیز از میان آثاری همچون «مرهم»، «سعادت آباد» و «خیابان‌های آرام» جایزه به صورت مشترک به اصغر فرهادی برای «جدایی نادر از سیمین» و رضا میرکریمی برای «یک حبه قند» رسید. ضمن اینکه میرکریمی در بخش کارگردانی توانست از بین فیلم‌های «سعادت آباد»، «اینجا بدون من»، «مرهم» و «جدایی نادر از سیمین» گوی سبقت را از دیگران برباید. البته مراسم به همین جا ختم نشد و علیرضا داودنژاد برای فیلم «مرهم» و مازیار میری برای «سعادت آباد» به دلیل ویژگی‌های بارز در عناصر سازنده جایزه ویژه را گرفتند که داودنژاد جایزه خود را به محمد بزرگ‌نیا، کارگردان و تهیه‌کننده اهدا کرد.

کارتون خواب

سلمان طاهری

salmantaheri@gmail.com

پیشنهاد

به بهانه انتشار تازه‌ترین کتاب بزرگمهر حسین‌پور

من گوساله‌ام

هادی حیدری

■ «هر گاوی اگر عمیقا بفهمد که چقدر «گاو» است، در دم آدم خواهد شد و هرگاه آدمی «زیادی» بفهمد که آدم است، در دم گاو خواهد شد.» اینها گوشه‌ای از دیالوگ‌هایی است که در تازه‌ترین کتاب «بزرگمهر حسین‌پور» با نام «من گوساله‌ام» ذهن مخاطب را به خود مشغول کرده و با خود همراه می‌کند.

۶۳ داستان کمیک مصور کوتاه که نشر «مثلث»، آن را به نمایشگاه بین‌المللی کتاب رسانده است. این کتاب، پرسش‌های یک گوساله کنجکاو از پدربزرگش است که مخاطب را نیز درگیر این پرسش‌ها می‌کند و این گونه به جذابیت اثر می‌افزاید. «من گوساله‌ام» بر پایه محاوره می‌چرخد اما توانایی بالای حسین‌پور در پرداخت کارتونی تصاویر، این کتاب را دلچسب و در ذهن، ماندگار می‌کند.

زبان استعاری این کمیک استریپ‌ها، تداعی‌کننده کتاب «قلعه حیوانات» است؛ هرچند در «مقدمه‌ای در مذمت گوسالگی» که ابتدای کتاب منتشر شد، نوشته شده باشد: «اگر می‌خواهید مسایل مطرح شده، نکته‌ها، عقده‌ها، دغدغه‌های فکری و ذهنی، اجتماعی و سیاسی بشر امروز را به این کمیک‌ها بچسبانید، عمیقا در اشتباهید و دقیقا شما نیز مانند یک گوساله عمل کرده‌اید.»
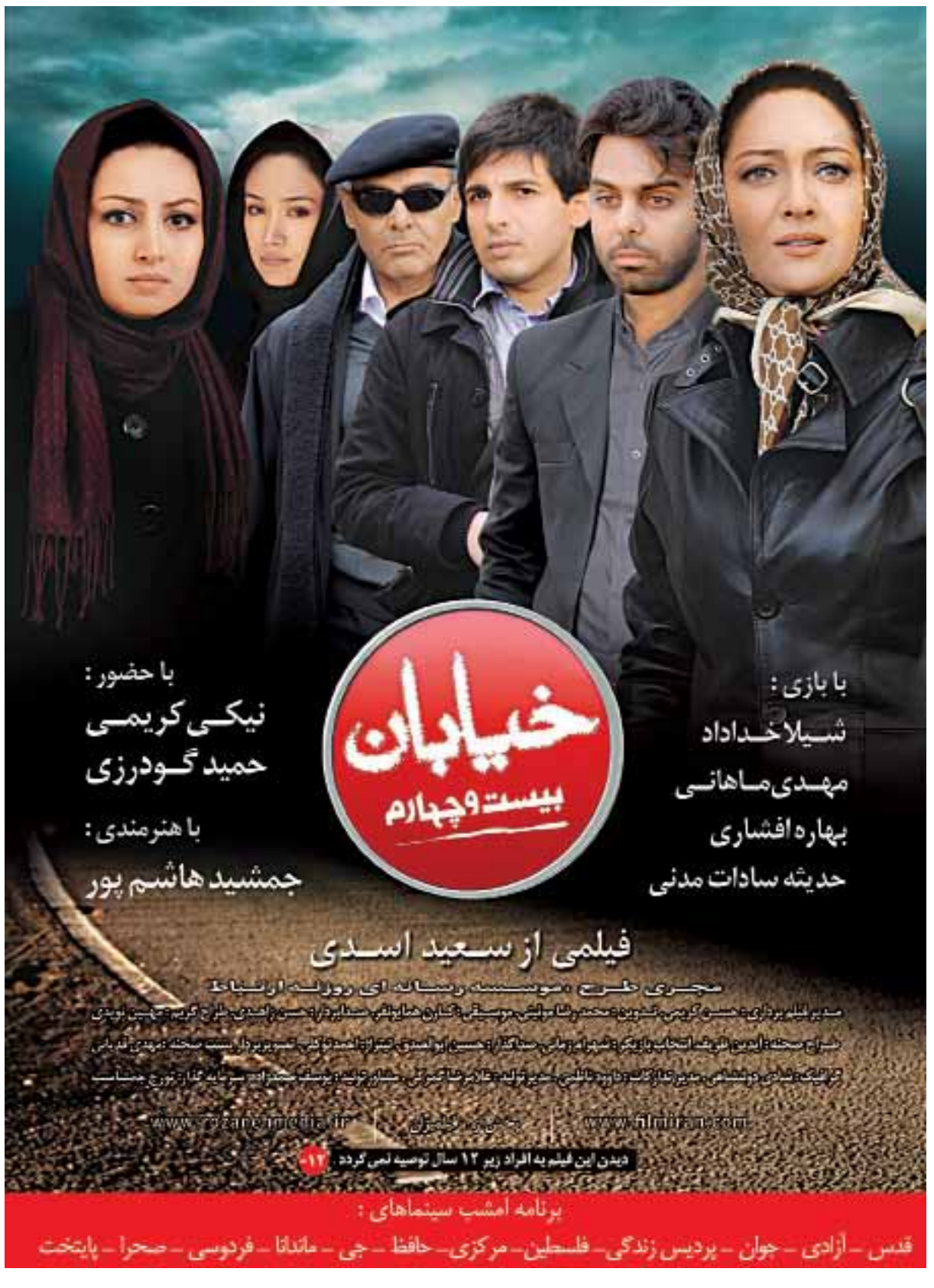
سوالاتی که حسین‌پور از زبان گوساله و پاسخ‌هایی که از دهان پدربزرگ می‌گوید، دغدغه‌های ذهنی یک کارتونیست است که پیوند عمیقی با رخدادهای روزمره جامعه خود دارد. این محاورات در برخی داستان‌ها به شدت فلسفی و عمیق‌اند؛ از جذابیت‌های «من گوساله‌ام» پایان کتاب است که مخاطب را در حال تعلیق میان آسمان و زمین نگه داشته و وی را به تفکر وامی‌دارد.